

واقعیت توافق پترودالر

(ترجمه)

سؤال:

سایت الحرة به تاریخ 18 جون 2024م چنین مطلبی را به نشر رساند: «اخیراً سایت‌های خبری به شکل گسترده‌ای، گزارش‌های منتشر نموده اند که حاکی از توافق سعودی/امریکایی در سال 1974م می‌باشد؛ توافقی که بر اساس آن سعودی ملزم بوده که در تمام فروشات نفتی خود از دالر استفاده کند. بر حسب این گزارش‌ها، مدت این توافقنامه 50 سال بوده که اکنون به پایان رسیده است...» اما وبسایت "لیدر اینسایت" این گزارش‌ها را تکذیب و تاکید کرد که: «چنین توافقی وجود ندارد.» امیدوارم حقیقت و صحت این توافق، در صورت وجود آن و سپس نقش نفت در حفظ سیطره دالر، برایم روشن شود و این‌که پس از آن، آیا تشکیلات بریکس می‌تواند در زمینه سیطره دالر در آینده تأثیرگذار باشد؟

جواب:

برای وضاحت بیشتر جواب سوالات فوق، می‌بایست موارد زیر را مورد بررسی قرار داد:

اول: این‌که با توجه به اخبار منتشر شده مبنی بر پایان مدت توافق سعودی و امریکا برای منحصر کردن فروش نفت به دالر؛ شبکه‌های اجتماعی مملو از این خبر است؛ اما هیچ یک از مقامات رسمی دو کشور در این مورد صحبت نکردند. گویا عمداً از این قضیه چشمپوشی نمودند! همان‌طور رسانه‌ها نیز در ابتدا از پرداختن به نشر این خبر خودداری کردند تا این‌که برخی از آن‌ها به دلیل حجم زیاد صحبت‌ها در مورد آن، در این خصوص شروع به صحبت نمودند. به عنوان مثال: وبسایت روسی RT در 15 جون 2024م چنین مطلبی را به نشر رساند: «اولگا سامووالوا در وزگلیاد می‌نویسد: توافق پترودالر که بین سعودی و امریکا در سال 1974م امضا شده بود، به پایان رسیده است و این برای سعودی فرصت این را می‌دهد که نفت و تولیدات نفتی خویش را نه تنها در بدل دالر بلکه به هر ارز دیگری که می‌خواهد بفروشد. البته بر حسب تایید رسانه‌ها.» این یک تایید غیررسمی از یک منبع رسانه‌ای روسی است، در خصوص وجود چنین توافقی.

دوم: این‌که از طرف منابع رسانه‌های امریکایی این موضوع را تکذیب می‌کنند:

1- در سوال ذکر شده بود که در سایت الحرة به تاریخ 18 جون 2024م چنین آمده است: «...طبق این گزارشات، مدت این توافق 50 سال بوده، اکنون به پایان رسیده است که چنین چیزی نویددهنده پایان سیطره ارز امریکایی است. اما وبسایت لیدر اینسایت این گزارش‌ها را تکذیب و تاکید کرد که: "چنین توافقی وجود ندارد.»

2- روزنامه MorningStar به تاریخ 17 جون 2024م از اخبار و روایات منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، مبنی بر از بین رفتن توافق پترودالر درازمدت امریکا و سعودی خبر داده گفت: «این توافق هرگز وجود نداشته است.»

3- در یک پست وبلاگی که در روز جمعه منتشر شد، پول دونوان، اقتصاددان ارشد UBS Global Wealth Management، بر این اشاره کرد که داستان جعلی "توافق پترودالر" به طرز شگفت‌آوری منتشر شده است و این مسئله درس دیگری در مورد خطرات جانبداری تأییدی ارائه می‌دهد. (منبع: MorningStar، مورخ 17 جون 2024م)

سوم: این‌که هیچ یک از طرفین رسماً در مورد گفتگوهای اخیر که حاکی از انعقاد توافق پترودالر بین امریکا و سعودی در سال 1974م و پایان مدت الزامیت آن در تاریخ 6 سپتامبر 2024م بود، هیچ تبصره رسمی ننمودند. هیچ یک از طرفین رسماً در تکذیب یا تأیید آن اظهار نظر نکردند، بلکه تنها همان‌طور که در فوق یاد آور شدیم، تبصره‌هایی از سوی منابع رسانه‌ای و شبه رسانه‌ای دیگری

صورت گرفته است! لیکن قراین دیگری نیز وجود دارد که از طریق آن‌ها احتمال موجودیت چنین توافقی در بین امریکا و سعودی وجود دارد که از جمله این قراین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- در گزارش دیوان عمومی محاسبات امریکا که در سال 1978م تحت عنوان «کمیته همکاری اقتصادی امریکا و سعودی» صادر گردیده، چنین آمده است: «دیوان عمومی به تقویت فعالیت کمیته همکاری‌های اقتصادی سعودی و امریکا که در جون 1974م تأسیس شده است، توصیه به همکاری‌های اقتصادی دو طرف و افتتاح دفتری برای وزارت خزانهداری امریکا در ریاض، برای از سرگیری چرخه پترودالر نمود.» این گزارش در مقدمه خود تأسیس این کمیته مشترک را تأیید می‌کند.

2- پس از این‌که پل دونووان در پست وبلاکی خود گفت؛ «معلوم است که داستان "توافق پترودالر" که امروز در حال دست به دست شدن است، خبر جعلی و دروغین بیش نیست.» و افزود: «شاید نزدیکترین چیز به داستان توافق پترودالر، توافق مخفیانه‌ای باشد که بین امریکا و سعودی در اواخر سال 1974م به امضاء رسید و در آن وعده داده شده بود که در ازای سرمایه‌گذاری میلیاردی دالری سعودی از درآمدهای حاصل از فروش نفت در خزانه‌های امریکا، این کشور برای سعودی کمک‌ها و تجهیزات نظامی ارائه کند.» (منبع: MorningStar، مورخ: 17 جون 2024)

3- پس از آن‌که روزنامه MorningStar در تاریخ 17 جون 2024م گفت: «توافق پترودالر در بین امریکا و سعودی توافقی است که هرگز وجود نداشته است.» در جای دیگر گفت: «بر اساس گزارشی که اداره حسابداری امریکا منتشر کرده است، موضوع مربوط به کمیته مشترک امریکایی و سعودی است که برای تقویت همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور تشکیل شده بود و قرار تأسیس آن در تاریخ 6 اگست 1974م بین کیسینجر، وزیر امور خارجه امریکا و فهد بن عبدالعزیز ولیعهد سعودی در آن زمان امضا شد.»

4- روزنامه کویتی «القبس» در تاریخ 20 اکتبر 2020م در ضمن نشر اخبار برنامه "حافظه خبری" خود، خبری را منتشر کرد که در شماره تاریخی 7 جون 1974م خود منتشر کرده بود. در آن چنین آمده بود: «رئیس جمهور نیکسون امروز با شاهزاده فهد بن عبدالعزیز، معاون دوم نخست‌وزیر سعودی و وزیر داخله، در خصوص امکان دستیابی به صلح پایدار در خاورمیانه در پی توافقات بر جداسازی نیروهای جبهه مصر و سوریه، همان‌طور در خصوص راه‌های گسترش همکاری‌های اقتصادی، صنعتی و دفاعی بین سعودی و امریکا گفتگو کرد. این گفتگوها در دفتر رئیس جمهور نیکسون در کاخ سفید پیش از صرف ضیافتی صورت گرفت که از سوی رئیس جمهور نیکسون برای گرامی‌داشت از مهمانی که در یک سفر سه روزه دیروز از راه رسیده بود تدارک دیده بود. در این گفتگوها شاهزاده فهد در تلاش افزایش کمک‌های نظامی امریکا به کشورش در ازای ادامه همکاری سعودی در تامین نفت امریکا بود.

5- وبسایت businessstimes.com.sg در 18 جون 2024م ذکر نمود که: «روزنامه امریکایی نیویورک تایمز در 8 جون 1974م در صفحه اول خود چنین بیان داشته است: «وزیر امور خارجه کیسینجر و شاهزاده فهد بن عبدالعزیز، معاون دوم نخست‌وزیر سعودی و برادر ناتنی ملک فیصل، امروز صبح در "بلرهاوس" واقع جاده کاخ سفید، توافقتنامه شش صفحه‌ای را امضا کردند.»

چهارم: با دقت نظر بیشتر در بند سوم که در فوق ذکر گردید، مخصوصاً استقبال نیکسون، رئیس‌جمهور امریکا از فهد بن عبدالعزیز، نشان‌دهنده اهمیت زیاد آن دیدار و سپس تأسیس کمیته همکاری‌های اقتصادی امریکا و سعودی در 6 اگست 1974م است که منابع رسمی از جمله گزارش دیوان عمومی محاسبات امریکا به آن اشاره می‌کنند، حاکی از توافقاتی است که گویی این کمیته متولی اجرای آن بوده و همه این‌ها وجود توافقی بین امریکا و سعودی را تأیید می‌کند، شاید مکتوب شده و محرمانه بوده و شاید تفاهمات الزام‌آور و نانوشته‌ای بین یک دولت کوچک مزدور و بین دولت قدرتمندی چون امریکا بوده که معمولاً چنین تفاهماتی برای مزدوران کاملاً الزام‌آور است؛ اگرچه مکتوب شده هم نباشد.

تمام حقایق مذکور در فوق مؤید وجود توافق پترودالر است؛ چیزی که ما آن را ترجیح می‌دهیم؛ اگرچه این موضوع مخفی نگه‌داشته شده و ادارات رسمی آن را تأیید نمودند؛ البته آن را انکار نیز نمودند.

پنجم: آن‌چه این را تأیید و ترجیح می‌دهد، توجه امریکا به تبدیل دالر به ارز بین‌المللی و جهانی است، چنان‌چه:

1- از زمان توافق برتون وودز در سال 1944م که قیمت هر اونس طلا را 35 دلار تعیین کرد، دلار در بالاترین سطح نظام پولی جهانی قرار گرفت؛ طوری که دلار و طلا از یک ارزش برخوردار شد؛ اما به دلیل پروژه‌های استعماری آمریکا به ویژه جنگ ویتنام و هزینه‌های گزاف در جنگ، آمریکا مجبور شده که دلارهای بیشتر از مقدار دلاری چاپ کند که می‌توانست آن را با طلا مبادله کند تا جایی که در اواخر دهه 1960م، تعداد دلارهای در حال گردش افزایش یافته بود و دلار در جهان بیشتر از طلا شد. این امر کشورهای دیگر را تشویق کرد که در ازای دلارهای خود از آمریکا طلا تقاضا کنند؛ چیزی که منجر به کاهش ذخایر طلای آمریکا شد. چنانچه ذخایر طلای آمریکا در پایان جنگ جهانی دوم در سال 1971م از 574 میلیون اونس به حدود 261 میلیون اونس کاهش یافت. این‌جا بود که ریچارد نیکسون، رئیس جمهور وقت آمریکا، استاندارد طلا را در 15 اگست 1971م لغو کرد و این‌گونه دلار را به طور کامل از طلا جدا کرد. مسئله که به "فاجعه نیکسون" معروف است.

2- این جدایی دلار و طلا مشکل سیاسی و مالی برای آمریکا ایجاد کرد و آن این بود که کشورهای جهان، دیگر عامل مجبورکننده برای به دست آوردن دلار نداشتند. لذا این امر باعث شد که آمریکا به دنبال راه‌های دیگری باشد که کشورها را به سوی تقاضای بیشتر دلار سوق داده و در نتیجه سیطره جهانی دلار محفوظ بماند تا این‌که بالاخره آمریکا گم‌شده‌اش را در نیاز حتمی جهان به انرژی پیدا کرد؛ این در حالی بود که منبع اصلی انرژی در آن زمان نفت بود و سعودی هم بزرگترین تولیدکننده آن.

3- دولت نیکسون از طریق گفتگو با سعودی از سال 1972م تا 1974م در مورد ایجاد پتrodالر و در نتیجه توافقی صورت گرفته که بر مبنای آن آمریکا امنیت رژیم سعودی را تضمین نموده و در مقابل سعودی که بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان بوده و دارای بزرگترین ذخایر نفتی در جهان است، نفت خود را در برابر دلار بفروش برساند؛ همان‌طور که سعودی نیز موافقت کرد که میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی خود را مجدداً در اوراق خزانه آمریکا برگرداند.

4- قبل از این قرارداد، سعودی به دلیل نفوذ عوامل انگلیسی در حکومت آن زمان سعودی، نفت خود را در بدل جنیه استرلینگ بفروش می‌رساند، زمانی که این قرارداد در 8 جون 1974م بین وزیر امور خارجه کیسینجر و شاهزاده فهد بن عبدالعزیز، منعقد شد، این مقدمه‌ای برای معامله همراهی سعودی به دلار به عنوان قیمت نفت در عوض استرلینگ بود.

پس از آن، شاهزاده فهد در سال 1975م، در زمان سلطنت برادرش، ملک خالد، به اوج شهرت رسید و ولیعهد شد. او در دوران برادرش ملک خالد از صلاحیت‌های زیادی برخوردار بوده و بر همین منوال قرار داشت تا این‌که ملک خالد وفات کرده و در 13 جون 1982م به پادشاهی رسید. وی در ولاء و وابستگی خود نسبت به آمریکا معروف بود.

بنابراین، معاملات سعودی در زمینه فروش نفت از ابتدای سال 1975م منحصر به دلار شد، بر حسب بیان منابع پس از سال 1974م، فروش نفت سعودی به دلار آمریکا منحصر شد و این امر شامل کشورهای عضو سازمان اوپک از کشورهای تولیدکننده نفت نیز می‌شد. بدین ترتیب لازم شد هر کشوری که نیاز به خرید نفت دارد، تا مقدار کافی از ارز دلار، تنها ارز منحصر به معاملات نفتی را داشته باشد. به این معنی که این کشورها باید وام‌های دلاری می‌گرفتند و یا از بازارهای مالی و یا به هر وسیله دیگری برای‌شان دلار خریداری می‌نمودند. نکته‌ای قابل توجه این بود که آمریکا تداوم سرازیر شدن دلار و بانک ذخایر فدرال تداوم تولید دلار را تضمین کرده بود... مخصوصاً این‌که ریال سعودی وابسته به دلار بوده و از همین جهت عاملی برای سعودی وجود دارد که جهت حفظ ثبات اقتصادی خود به دلار آمریکا وابسته و متعهد باشد. چنانچه طی گزارش خبرگزاری اناضول بتاريخ 4 سپتامبر 2019م چنین بیان داشت: «خالد الفالح وزیر انرژی سعودی تایید کرد که دلار آمریکا ارز مورد اعتماد برای فروش و تجارت نفت خام کشورش در خارج از کشور باقی خواهد ماند...»

ششم: اگر پیوستن سعودی به تشکیلات بریکس به رهبری چین و روسیه که هر دو از رقبای آمریکا هستند، بر استمرار محدودیت سعودی در فروش نفت‌اش به دلار تأثیر بگذارد، این موضوع تحت تأثیر عوامل دیگری قرار می‌گیرد که برای روشن شدن آن موارد زیر را به بررسی خواهیم گرفت:

1- اصطلاح BRICS برای اشاره به اقتصادهای برآزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی به کار می‌رود. برآزیل، روسیه، هند و چین در سال 2006م گروه BRIC را ایجاد نمودند تا به کشورهای در حال توسعه نقش بیشتری در امور بین‌المللی بدهند. در سال 2011م نام این گروه با اضافه شدن آفریقای جنوبی به BRICS تغییر یافت. در اجلاس ال-15 که در 24 اگست 2023م در ژوهانسبورگ، پایتخت آفریقای جنوبی خاتمه یافت، از پیوستن سعودی به همراه مصر، امارات، ایران، ایتوپی و ارجنتاین به گروه بریکس، در ابتدای سال 2024م خبر داده شد. یکی از اهداف این اجلاس تلاش برای رهایی از سیطره دالر و صدور ارزی برای اعضای بریکس بود، چیزی که این کشورها در آن به توافق نرسیدند، سپس تصمیم به معامله با ارزهای محلی خود در میان شان گرفتند. به همین دلیل این گروه تلاش کرد تا سعودی، بزرگترین صادرکننده نفت را به این گروه دعوت کند.

شایان ذکر است که علی‌رغم اعلام رسمی تلویزیون سعودی در 1 فوروری 2024م مبنی بر پیوستن سعودی به بریکس، مجید القصابی وزیر تجارت سعودی در میزگردی در حاشیه مجمع جهانی اقتصاد در داوس سوئیس چنین گفت: «سعودی دعوت نامهای برای پیوستن به بریکس دریافت کرد، اما ما هنوز به طور رسمی به آن نپیوستیم.» (منبع: سکا نیوز عربی 16 جنوری 2024م) این بدان معناست که سعودی منتظر موافقت امریکا برای پیوستن به بریکس بود تا این‌که پیوستن به آن در مصلحت امریکا باشد.

2- ورود کشورهای وابسته به امریکا مانند سعودی به گروه بریکس این گروه را سست و شکننده می‌کند، چنانچه ما شاهد مخالفت‌های آفریقای جنوبی در برابر صدور ارزی برای بریکس بوده ایم. در گروه بریکس به جز روسیه و چین هیچ کشور مستقلی وجود ندارد، بقیه کشورهای عضو آن، همه مزدوران غرب به ویژه امریکا به شمار می‌روند. اما روسیه و چین می‌خواهند طوری جلوه کنند که گویی قادر به مقابله با غرب و تشکیل یک جبهه متقابل در برابر آن هستند و همیشه از دنیای چندقطبی صحبت می‌کنند. وقتی امریکا به سعودی و سایر مزدورانش اجازه ورود به بریکس را می‌دهد، برای اینست که می‌خواهد از درون بر آن تأثیرگذاری داشته باشد، همانطور که قبلاً کشورهای اروپای شرقی تابع خود را در سال 2004م تشویق کرد که وارد اتحادیه اروپا شوند تا این‌که از طریق این کشورها بتواند بر این اتحادیه تأثیرگذاری داشته باشد، از طریق این کشورها وارد اتحادیه اروپا شوند. چنانچه به وسیله پولند که وارد اتحادیه شد، توانست مانع تدوین قانون اساسی برای آن شود، قانونی که باعث تقویت قدرت سیاسی این اتحادیه شده و آن را در حد شبه دولت فدرالی نزدیک می‌نمود. اما از این طریق همچنان یک اتحادیه سست و شکننده باقی ماند که همواره در معرض شکستگی و فروپاشی قرار دارد. همچنین زمانی که سعودی که بزرگترین تولیدکننده اوپک است و نفوذ زیادی روی اوپک دارد، موظف شد تا فعالانه برای ایجاد نوعی از اتحاد بین اوپک و روسیه، برای کنترل تولیدات روسیه در داخل مرزهای اوپک با هماهنگی سعودی و روسیه، از اسالیب لازم استفاده کند.

3- پوتین که کشورش یکی از اعضای موسس گروه بریکس بوده و بسیار مشتاق صدور ارزی مستقل برای این گروه است، تسلیم واقعیت سیاسی کشورهای عضو این گروه شده، چنین می‌گوید: «تداوم توسعه بریکس، نقش این تشکیلات را در سطح بین‌المللی، فعال خواهد داشت و این‌که موضوع اتخاذ یک ارز مستقل هنوز حل نشده و نیاز به گفتگوهای بیشتری دارد...» (منبع: الجزیره مورخ: 24 اگست 2023) همچنان الجزیره پیش از این بتاريخ 23/اگست/2023م، چنین مطلبی را منتشر ساخت: «موضوع ایجاد ارز مستقل برای بریکس، به دلیل عدم توافق بین پنج کشور و وجود اختلافات بین آن‌ها، به طور رسمی در جریان اجلاس در اجندا گرفته نشد... اما پوتین در یک سخنرانی ویدئویی برای این گروه، درخواست نمود تا به معاملات گروه به ارزهای محلی توسعه بخشند...» بنابراین، این‌گونه روسیه موفق نشد تا ارز جایگزینی برای دالر پیدا کند، البته او همچنان تحقق چنین ارزی را از اعضاء بریکس تقاضا می‌کند.

هفتم: این‌که تا زمانی‌که پول کاغذی باشد، ارزش ذاتی نداشته، مشکلات اقتصادی، احتکارهای اقتصادی، اختلافات سیاسی و حتی استعمار تدوام خواهد داشت. اسلام با وحی از جانب الله سبحانه و تعالی پول را متکی بر طلا و نقره قرار داده است. یعنی ماده‌ای که خودداری ارزش ذاتی می‌باشد و همان‌طور که در احادیث صحیحه ثابت است، رسول الله صلی الله علیه و سلم طلا و نقره را به عنوان پول تعیین نموده و آن‌ها را تنها معیار پولی و وجه نقدی قرار داده که سنجش مال و عمل به آن برمی‌گردد. اما استعمارگران با استفاده از اسالیب استعمار اقتصادی و استعمار مالی، پول کاغذی را ابزاری از ابزار استعماری شان قرار دادند. بنابراین برای پول و وجه نقدی سیستم‌های دیگری ایجاد نمودند که مبتنی بر طلا و نقره نیست و از این‌جا بود که این مشکلات پدیدار شد...

لذا این مشکلات برطرف نمی‌شود مگر این‌که دولت خلافت اقامه شده و پول را به طلا و نقره برگرداند تا این‌که یا خود طلا و نقره در گردش باشد یا پول کاغذی جایگزین طلا و نقره در گردش باشد؛ جایگزینی که امکان تبدیل آن در هر زمانی وجود داشته باشد. این همان شریعتی است که الله سبحانه و تعالی بر مبنی علم پاک و منزه‌اش نازل فرموده است. همان‌طور که چنین می‌فرماید:

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [ملک: 14]

ترجمه: آیا کسی (همه چیز را) آفریده است نمی‌داند؟ در حالی‌که او باریک بین و بس آگاه است.

اول محرم 1446 ه.ق

مطابق به 7 جولای 2024 م

مترجم: محمد علی مطمئن